



یادداشت

نه قاطع بازنشستگان کارگری به انتخابات فرمایشی رژیم!

صادق کار



در تظاهرات پرشور ۱۵ و ۱۸ فروردین بازنشستگان، شعار تازه، مهم، هوشمندانه و به موقعی توسط شرکت کنندگان در مقابل سازمان تامین اجتماعی طرح گردید که حاکی از رشد آگاهی و شناخت زحمتکشان نسبت به روند رویدادهای سیاسی کشور و چگونگی مواجهه با آنهاست.

این شعار تازه بسیار شفاف و گویا که از دل و جان های شیفته‌ای بر می خواست، بخاطر همین ویژگی اش به سرعت به دلهای بسیاری نشست و فردای همان روز در تظاهرات مالباختگان بورس نیز تکرار شد. شعار راهبردی "از بس دروغ شنیدیم ما دیگه رای نمی دیم"، بازنشستگان در تظاهرات ۱۸ فروردین آنها در حالیکه ماموریت در کشور بوجود آمده‌ان سرکوبگر حکومتی گرداگرد تجمع بازنشستگان حلقه زده بودند و به آنها چنگ و دندان نشان میدادند دوباره طنین انداز شد. این شعار بخاطر ویژگی های و روان بودن اش از هم اکنون به یکی از شعارهای مهم و فراگیر جنبش مردمی تحریم انتخابات تبدیل گردیده و در اعتراضات بعدی کارگری و دیگر توده های ستمدیده تکرار و پژواک پیدا خواهد کردگاه توده‌ای.

تلفیق مطالبات و مبارزات صنفی با مطالبات سیاسی از گذشته های دور تا کنون در جنبش های مطالباتی معمولاً در زمانهایی رخ می دهد که یا حال و هوای جامعه متفاوت و حالت خاصی پیدا می کند. حالتی جنبشی یا در حال دگرگونی صورت گرفته، یا دولتها تنها با سلاح سرکوب با مطالبات کارگران برخورد کرده‌اند و مطالبات صنفی زحمتکشان را بی جواب گذاشته و آنها را جدی نگرفته‌اند. در ایران سالهاست که رفتار حکومت با کارگران و

زحمتکشان و مطالبات و مبارزات آنها چنین بوده است. اکنون هر دوی این حالت در کشور بوجود آمده است. تحریم آگاهانه انتخابات در شرایط کنونی از طرف زحمتکشان اهمیت فوق العاده‌ای دارد و می تواند کمک شایانی در تقویت و گسترش پایه توده‌ای جنبش تحریم انتخابات داشته باشد. همچنین گامی است در جهت پس راندن



تعرض حکومت به حقوق و معیشت بازنشستگان. کارگران به رغم عدم شرکت وسیع شان در بیشتر انتخاباتی که در جمهوری اسلامی تا کنون برگزار شده، هیچگاه رسماً و علنی انتخابات را تحریم نکرده بودند. این اولین بار در ۴۲. گذشته است که آنها به تحریم انتخابات فرمایشی بطور علنی روی آورده‌اند و آن را اعلام می‌کنند.

در دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری روحانی بنا به داده‌های رژیم عده‌قلیلی از کارگران و معلمان در آن انتخاب شرکت و به روحانی رای داده بودند. این عده‌قلیل هم در انتخابات مجلس شرکت نکردند. تحریم انتخابات مجلس توسط عموم مردم مفتضح‌ترین انتخابات دوران ۴۲ ساله رژیم را رقم زد. بدین ترتیب آزمون رژیم برای یک دست کردن رژیم یکبار دیگر شکست خورد. اکنون در آستانه انتخابات ریاست جمهوری و شوراها نه تنها تعداد تحریمی‌ها به حداکثر ممکن رسیده است، بلکه تشنت و تفرقه در میان حکومتی‌ها به حدی بالا گرفته که آنها هنوز قادر نیستند بر سر کاندیدادهای شان به توافق برسند.

موضوع نگران‌کننده برای رژیم در این دوره علاوه بر نگرانی از تحریم توده‌ای انتخابات فرمایشی، هراس از وضعیت جنبشی در کشور و بحران‌هایی است که از هر سو حکومت را در بر گرفته و حکومت قادر به کنترل آنها نیست. بعید نیست در زمان انتخابات جنبش اجتماعی به چنان مرحله‌ای از رشد برسند که تمام حساب و کتابهای رژیم را بهم بزنند و کنترل اوضاع از دست رژیم خارج شود. هم از این رو است که بر خلاف زمان انتخابات گذشته که در ماه‌های منتهی به انتخابات بساط سرکوب را اندکی جمع و جور می‌کردند، در این دوره سرکوبها را بیشتر کرده‌اند. نکته قابل تامل دیگر بازداشت و فشار به رهبران و فعالین جنبش‌هایی است که قدرت بسیج مردم در شرایط برآمد جنبشی را دارند. متأسفانه بیم آن می‌رود که در هفته‌های پیش رو عده دیگری از فعالین کارگری و سیاسی را بازداشت کنند. با این حال این بازداشتها هم اگر انجام بگیرند نمی‌تواند اوضاع و فضا را به سود رژیم دگرگون نماید. به نظر می‌رسد اوضاع ابستن تحولاتی اجتناب‌ناپذیر است. کوشش نیروهای دمکراتیک برای سمت دادن به تحولات در جهت منافع مردم و کشور در این اوضاع احوال فرصتی است که نباید گذاشت از دست برود. هیچگاه رژیم نه به اندازه امروز بی‌پشتوانه اجتماعی و نه از درون در تفرقه بوده است. هیچگاه نیز مخالفت و بیزاری توده‌ای از رژیم به وسعت کنونی نبوده است.



به سرکوب سندیکاها کارگری پایان دهید!



افول نئولیبرالیسم: نمایشنامه در سه پرده بخش هفتم و پایانی فردناندو روگیتسکی



ژورنال برزیلی اقتصاد سیاسی، دسامبر ۲۰۲۰

پرده سوم: مرگ انسانها و مرگ نئولیبرالیسم

البته بجاست که در میزان اثربخشی دموکراتیسم نظامهای لیبرال دموکراتیک هم، که مکانیسمهای مشارکتی شان به نحو فزاینده ای محدود و از محتوا تهی شده اند، به راه اغراق نرویم. اما باید این خطر را در نظر داشت که اولاً گرایش قویتر در بطن وضع کنونی به سمت آلترناتیوهای اقتدارگرا است و نه به سمت یک دموکراسی رادیکال و رادیکال شدن دموکراسی، ثانیاً همین گرایش قویتر موجب تعمیق روندهائی خواهد شد که مدتهاست دولتهای راست افراطی پیشه کرده اند. بازتعریف شرایط سلطه سرمایه داری ترکیب جدیدی از رضایت و اجبار را، در تمایل بیشتر به سوی گفته شده منتفی نمی کند.

با این وجود، یک سرمایه داری اقتدارگرای تحت مدیریت دولت تنها افق قابل دسترس در وضع کنونی نیست. غلبه بر نئولیبرالیسم به کیفیت دیگری نیز متصور است. مثلاً دور از ذهن نیست که غلبه بر نئولیبرالیسم جهانی شدن حق برخورداری از مراقبت های بهداشتی را همراه داشته باشد و سیاست های ریاضتی را که به این عرصه از حیات بشر آسیب می رساند، به پایان رساند. کاهش نابرابری در مناسبات بین سرمایه و کار نیز با پیشه کردن سیاستهای ناظر بر تأمین درآمد پایه برای همگان منتفی نیست (مشروط به آن که منطق و میزان پرداختی، برای کاستن از اجبار حاکم بر کارگر به فروش نیروی کارش کافی باشد و نه آن که فقط یک مساعده اجتماعی برای تخفیف ناچیز فقر حاد باشد). به علاوه یک طریق بدیل برای غلبه بر نئولیبرالیسم می تواند با تجدیدنظر در سیستم مالیاتی که در دهه های گذشته مدام به نفع سرمایه پسرفت داشته است، به تغییری اساس در این سیستم بزند. این راه بدیل همچنین می تواند چنان که نانسی فرایزر می گوید موجب "بازتعریف فمینیستی مرزهای محدودکننده – "اقتصاد" از "جامعه"، "تولید" از "بازتولید"، "کار" از "خانواده" – و غلبه بر بحران سرپرستی ناشی از به رسمیت نشناختن کار سرپرستی گردد. سرانجام این که این طریق بدیل می تواند مبنائی برای نشان دادن گفتمانهای همبستگی و مشارکت بین المللی به جای گفتمانهای بیگانه هراس کنونی باشد.

امروزه چنین عناصری ابداً عناصر یک نگاه اتوپيائی منتزع از گرایشهای اجتماعی به نظر نمی رسند. مبارزه علیه پاندمی نه فقط انگیزه برای تثبیت ابزارهای نظارت اقتدارگرا را تقویت کرده است، بلکه همچنین شکل گیری شبکه های حمایتی و اتخاذ سیاستهایی که می توانند پایه های لازم برای گذار رهانبخش جامعه را ایجاد کنند، تشجیع کرده است.



شکوفایی ابتکارات جمعی ناظر بر همبستگی، الزام تمرکز و رسمیت بخشی به کار سرپرستی و مراقبت، و ارزش گذاری اجتماعی بر کار کارکنان بهداشت و درمان، که در جریان مبارزه با کووید-۱۹ تجلی یافت، اجازه می دهند تا به امکان تجدید سازماندهی رادیکال جامعه به دیده جدیدی نگریسته شود: یک تجدید سازماندهی از پایین به بالا، با بهره گیری از موقعیت تقویت یافته جنبش های فمینیستی در چند سال گذشته در سطح جهانی، و از ابتکارات سیاسی محلی که از زمان اعتراضات جهانی سال ۲۰۱۰ به بعد، در حال گسترش بوده اند. توأم، بحران کنونی بدهی های دولت را به میزان قابل توجهی افزایش داده است. این امر توسل به سیاست ریاضت اقتصادی و دفاع از این سیاست را غیر عملی کرده و موقعیت را به سمت مباحثه ای عمومی و تجدید مذاکره پیرمون مبانی مالی دولتها سوق می دهد. این امر می تواند به همان سمت تاریخی روی آورد که پیکی بر آن انگشت گذاشته است: سیستم مالیاتی بعد از تنشهای بزرگ ناگزیر مترقیانه خواهد شد. به زعم او "سیستم مالیاتی مترقی در قرن بیستم محصول زودگذر یک دوران پرهرج و مرج بود".



جوهر این مباحثه عمومی و تجدید مذاکره و سازماندهی مبتنی بر آن، بستگی دارد به تواناییهای طبقه کارگر در سازمانیابی سیاسی برای هدایت روند بازسازی مناسبات بین کار و سرمایه، که پس از غلبه بر پاندمی مستقر خواهد شد. میزان عظیم بیکاری ناشی از بحران در سمت تضعیف اثر اکثریت قریب به اتفاق اهالی عمل کرده است. اما تعمیق بحران هژمونی به این معناست که در سمت طبقات حاکمه نیز وضع شکننده ای جریان دارد. به قول کوئینکاس برو د آگوا (Quincas Berro D'Água) "شاید نئولیبرالیسم چندین بار بمیرد. بحث بر سر این که مرگ نئولیبرالیسم را چه تعریف می کنیم، هنوز باز است." چنان که آروندهاتی (Arundhati) اخیراً نوشته است: "ما از پاندمی عبور خواهیم کرد، و امکان انتخاب هم داریم: یا لاشه های تعصب و نفرت، بخل، بانکهای اطلاعات و ایده های مرده، رودخانه های مرده و آسمان های دودزده را به دنبلمان بکشیم؛ یا سبکبال، با باری اندک، آماده برای تصور و ترسیم دنیایی دیگر، و آماده برای نیل به آن شویم".

بیمه ی بیکاری برای بیکاران!



واکسن کوید ۱۹ هم خصوصی و هم طبقاتی!

صادق



حسن روحانی در هفته گذشته از بخش خصوصی خواست که برای خرید واکسن کرنا با ارز نیمایی اقدام کند. البته مثل همیشه پس از صغرا کبرا چیدن بسیار برای توجیه درخواست اش به رفتن عده‌ای از مردم به کشورهای خارجی برای خرید واکسن و پرداخت هزینه گزاف اشاره کرد. روحانی از تعداد کسانی که برای زدن واکسن به کشورهای دیگر رفته‌اند و ظاهراً دلیل این تصمیم دولت بوده‌اند، آماری ارائه نداد. به سودش هم نبود که آماری از آنها بدهد، چون به یقین می‌توان گفت که تعداد این افرا بخاطر هزینه گزافی که سفر به خارج برایشان دارد اندکتر از آن است که پایه چنین تصمیم مهمی قرار بگیرد. یک حرف مضحک دیگری هم که روحانی زد این بود که گفت: اگر یک کارخانه دار می‌خواهد زودتر کارگران اش را واکسن بزند می‌تواند خودش برود واکسن بخرد و این کار را انجام دهد" (نقل به معنی) فارغ از اینکه انجام یک چنین کاری توسط بخش خصوصی چقدر عملی هست و نیست. اما سخنان روحانی در واقع به معنی پولی شدن واکسن کرونا است و این آن نکته‌ای است که بواسطه پیامدهایی که دارد نبایست از کنارش با بی تفاوتی گذشت. تعجیل حساب شده در خرید واکسن و توجیهاتی که خامنه‌ای قبل از عید برای نخریدن واکسنهای ساخت کشورهای غربی زد، به نوبه خود ظن پولی کردن واکسن را قوت می‌بخشد.

حسن روحانی در هفته گذشته از بخش خصوصی خواست که برای خرید واکسن کرنا با ارز نیمایی اقدام کند. البته مثل همیشه پس از صغرا کبرا چیدن بسیار برای توجیه درخواست اش به رفتن عده‌ای از مردم به کشورهای خارجی برای خرید واکسن و پرداخت هزینه گزاف اشاره کرد. روحانی از تعداد کسانی که برای زدن واکسن به کشورهای دیگر رفته‌اند و ظاهراً دلیل این تصمیم دولت بوده‌اند، آماری ارائه نداد. به سودش هم نبود که آماری از آنها بدهد، چون به یقین می‌توان گفت که تعداد این افرا بخاطر هزینه گزافی که سفر به خارج برایشان دارد اندکتر از آن است که پایه چنین تصمیم مهمی قرار بگیرد. یک حرف مضحک دیگری هم که روحانی زد این بود که گفت: اگر یک کارخانه دار می‌خواهد زودتر کارگران اش را واکسن بزند می‌تواند خودش برود واکسن بخرد و این کار را انجام دهد" (نقل به معنی) فارغ از اینکه انجام یک چنین کاری توسط بخش خصوصی چقدر عملی هست و نیست. اما سخنان روحانی در واقع به معنی پولی شدن واکسن کرونا است و این آن نکته‌ای است که بواسطه پیامدهایی که دارد نبایست از کنارش با بی تفاوتی گذشت. تعجیل حساب شده در خرید واکسن و توجیهاتی



که خامنه‌ای قبل از عید برای خریدن واکسنهای ساخت کشورهای غربی زد، به نوبه خود ظن پولی کردن واکسن را قوت می‌بخشد.

از همین رو سپردن تامین واکسن کوید ۱۹ به بخش خصوصی با ارز دولتی را جز اقدامی اولیه برای پولی کردن واکسنی که در همه کشورها رایگان است نمی‌شود تعبیر کرد. ناگفته پیداست که معنی این کار محروم کردن ۹۰ درصد مردم از واکسن و در واقع به بازی گرفتن جان انسانها به دلیل ناکارایی دولتی است که قادر به انجام بدیهی‌ترین وظایف متعارف اش به مردم نیست. محروم کردن مردم از دسترسی به واکسن رایگان افزون بر کشتار مردم می‌تواند فجایع و پیامدهای مخرب بسیار و غیر قابل جبران دیگری برای کشور بوجود آورد. در کشوری که بالغ بر دوسوم جمعیت آن در چنان فقری گرفتار آمده که بدون بسته های غذایی کمکی نمی‌توانند سر کنند، مگر چند درصد از مردم می‌توانند قیمت واکسن وارداتی را بپردازند؟ چه نام دیگری به غیر از تبعیض طبقاتی و بی مسئولیتی مطلق می‌توان بر امتناع آشکار دولت و حکومت دزد و فاسد و نالایق از تامین به موقع واکسن کرونا در شرایطی که تا کنون حداقل قریب ۲۰۰ هزار انسان را به کام مرگ کشانده و همه روزه مشغول کشتار مردم است می‌توان نهاد؟

مسئله اگر نداشتن پول است، پس چرا اینهمه بودجه های نجومی در اختیار موسسات بی خاصیت و زیانبار مذهبی و حوزه‌وی، نهادهای سرکوب، تشریفات حکومتی ... می‌شود.

از زوایای دیگری هم می‌شود به این قضیه نگاه کرد. می‌توان آنرا در راستای ادامه سیاست خصوصی سازی دولت و به حساب خصوص سازی واکسن کوید ۱۹ تعبیر کرد. مگر نه این است که دولت روحانی بیشترین نقش را در خصوصی کردن بیمارستانها داشته؟ مگر نه این است که شمار بزرگی از مردم بی چیز و کم درآمد بخاطر بالا رفتن هزینه دارو و درمان جانیشان را از دست داده و می‌دهند؟ از دولتی که مدافع سرسخت سرمایه‌داری لجام گسیخته و سیاست تهای نئولیبرالیسی است که طی ۸ سال زمامداریش همه دار و ندار کشور از آموزش و درمان گرفته تا نفت و صنعت و معادن و بانک و غیره را خصوصی و در واقع میان اعوان و انصار حکومت بصورت صلواتی تقسیم نموده و مگر می‌شود ای انتظار داشت که بفکر جان شهروندان اش باشد؟

با این وصف باید امتناع و تعلل حکومت از خریدن واکسن را به اندازه‌ای که برای جامعه خطر ساز و فاجعه بار است جدی گرفت آن را به مبارزه طلبید و حکومت را مجبور به تامین واکسن رایگان برای همه مردم کرد. آن بخش خصوصی که روحانی می‌خواهد واردات واکسن را به آن واگذار کند، غیر از مشتی رانتخوار حکومتی که ثروتهایشان را از طرق رانت و زدوبند با عوامل حکومتی به دست آورده‌اند نیستند. اختیار جان و سلامت مردم نباید اجازه داد به دست مشتی تاجر و دلال حکومتی سود پرست بیفتد.

درمان و آموزش رایگان حق مردم و تامین آن وظیفه دولت است!

خصوصی سازی را متوقف کنید!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



ادامه اعتراضات بازنشستگان با شعار ما دیگه رای نمیدیم!

اعتراضات بازنشستگان خشمگین از دولت و مدیریت سازمان تامین اجتماعی در خصوص افزایش حقوق و مستمری بازنشستگی و بیمه کارآمد و رایگان و یک رشته مطالبات دیگر مانند اجرای همسان سازی واقعی حقوق ها در روزهای ۱۵ و ۱۸ بهمن در تهران و دهها شهر دیگر برگزار شد.

بازنشستگان که از بازداشت اسماعیل گرامی یکی از فعالین پیگیر حقوق خود در ۱۴ فروردین به شدت خشمگین بودند در این هفته دوبار دست به اعتراض زدند تا به دولتمردان نشان دهند در مقابل پایمال سازی حقوق و بازداشت فعالین خود کوتاه نخواهند آمد. علاوه بر شعار "تا حق خود نگیریم آرام نمی نشینم" که در تظاهرات گذشته بازنشستگان داده شد یک شعار مهم سیاسی در هر دو تظاهرات خیابانی این هفته نیز طرح شد که با استقبال گسترده در جامعه هم روبرو شد. شعار "ما دیگه رای نمیدیم از بس دروغ شنیدیم" که در تظاهرات این هفته بازنشستگان فریاد زده شد یک روز بعد در تظاهرات مالباختگان قمارخانه بورس که در اثر ترفند فریبکارانه دولت هست و نیست ناچیز خودشان را از دست داده اند نیز تکرار شد.

طرح و پیوند دادن انتخابات با مطالبات صنفی و معیشتی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری حرکتی بسیار خردمندانه و حاکی از آگاهی و شناخت زحمتکشان از رابطه بین سیاست و معیشت و شیوه های کارآمد در راستای تحقق مطالبات صنفی و نتیجه برخورد ستمگرانه و سرکوبگرانه حکومت با حقوق و معیشت زحمتکشان و پاسخ قاطع آنها به حکومت است. اکنون همه مردم زحمتکش و تحت ستم می دانند که حق و حقوق شان را با مبارزه خیابانی است که می توانند از ستمگران بگیرند و نه با شرکت در انتخابات فرمایشی و دل سپردن به وعده های دروغ کارگزاران فاسد حکومت.



تجمع اعتراضی اپراتورهای آب و فاضل آب اهواز مقابل استانداری

اپراتورهای آب و فاضلاب اهواز در ۱۷ فروردین دوباره در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی ۳ ماه گذشته و واریز نشدن ماه ها حق بیمه هایشان به حساب تامین اجتماعی در مقابل استانداری خوزستان تجمع و علاوه بر درخواست پرداخت مطالبات و حق بیمه هایشان، به اعمال تبعیض مزدی در میان کارگران پیمانی و قرار دادی نیز اعتراض و خواستار پایان دادن به آن و همچنین پرداخت به موقع دستمزد و حق بیمه خود شدند. گفتنی است که پرداخت نکردن حق بیمه به مدت ۳ ماه موجب قطع دارو و درمان و دیگر خدمات تامین اجتماعی می شود و هزینه اضافی برای کارگران در بر دارد! به عبارتی کارگر بخشی از دستمزد ناچیز خود را مجبور می شود بخاطر پرداخت نشدن حق بیمه ای که از دستمزد کارگر کم شده و کارفرما آن را به بیمه نپرداخته هزینه کند!

تعطیل معدن کرومیت آسمینونر و بیکاری ۱۲۰۰ کارگر در کرمان دوهفته بعد از فرمان رفع موانع تولید خامنه ای!

به گزارش خبرگزاری ایلنا معدن کرومیت آسمینون که در آن حدود ۱۲۰۰ کارگر مشغول کار بودند بعد از عید تعطیل شده است. کارفرما علت تعطیلی را نداشتن سیمان اعلام نموده. کارگران گفته اند تنها در قسمت سر پوشیده معدن نیاز به سیمان و جود دارد و ۷۰ درصد کارها در محوطه باز انجام می شود که نیاز به سیمان ندارد. مدیر سازمان صمت و معدن جنوب کرمان تعطیل کردن معدن به بهانه کمبود سیمان رد کرده و گفته است سیمان لازم برای معدن را تامین نموده. کارگران می گویند در سال گذشته چند اعتصاب صنفی در معدن انجام شده و هنوز چند ماه از دستمزدهای سال گذشته شان به آنها پرداخت نشده است. گفتنی است که بسیاری از کارفرمایان در آغاز هر سال به بهانه هایی بطور موقت برای شانه خالی کردن از افزایش دستمزد و پرداخت حق سنوات، کارخانه ها و معادن را تعطیل و با استخدام موقت مجدد کارگران حق و حقوق قانونی آنها را بالا می کشند. عده ای را نیز که نقشی در اعتراضات صنفی داشته اند از کار اخراج می نمایند این رویه ده ها سال است ادامه دارد و مسئولین دولتی و ادارات کار نیز هیچ اقدامی علیه قانون شکنان نمی کنند!

ابلاغ فرمان رفع موانع تولید خامنه ای نیز مزید بر علت شده و به نظر می رسد به این بهانه فشار بر کارگران بیشتر شود.

ادامه اعتراضات معلمان غیر رسمی به تبعیضات شغلی و مزدی

معلمان غیر رسمی که سالهاست بصورت قراردادی و حق التدریسی و شرکتی با دستمزد و حقوق ناچیز کار می کنند بار دیگر خواستار استخدام رسمی در آموزش و پرورش، رفع موانع استخدامی خود و رفع تبعیضات مزدی و شغلی شدند. گفتنی است که آموزش و پرورش برای اینکه دستمزد و حقوق کمتری به معلمان غیر رسمی بدهد، سالهاست که به بهانه های مختلف از استخدام آنها که بعضا تا ۱۵ سال سابقه و تجربه کاری و تحصیلات دانشگاهی دارند طفره می رود و حاضر به دست کشیدن از این رویه استثمار گرانه خود که موجب فقر و تنگدستی مضاعف معلمان غیر رسمی شده نیست.

معلمان غیر رسمی در ماه های پایانی سال گذشته و در هنگام طرح بودجه سال ۱۴۰۰ کوشیدند با برگزاری تجمع های متعددی مجلس و دولت را برای اختصاص بودجه جهت استخدام خود تحت فشار قرار دهند ولی موفق نشدند. با این اوصاف به نظر می رسد راه باقی مانده برای معلمان عضویت در تشکلهای صنفی معلمان و توسل به اعتصاب در یک شرایط مناسب باشد. در هر صورت بعید به نظر می رسد که معلمان غیر رسمی بدون یاری و همبستگی معلمان رسمی و پیوستن به کانون های صنفی معلمان بتوانند به خواسته های خود برسند.



بازداشت اسماعیل مقدم برای جلوگیری از تظاهرات بازنشستگان

ادامه و گسترش اعتراضات حق طلبانه بازنشستگان و پیوستن شمار بیشتری از بازنشستگان به اعتراضات و حمایت عمومی از مطالبات و مبارزات حق طلبانه بازنشستگان که تحت هدایت تشکلهای مستقل بازنشستگان انجام می شود موجب نگرانی حکومت و عوامل حکومتی گردیده و تلاشهای سرکوبگرانه برای خاموش کردن صدای بازنشستگان بطور ملموسی شدت گرفته. ماموران امنیتی با توسل به تهدید و ارعاب فعالین و دست اندرکاران این اعتراضات می کوشند آنها را از ادامه مبارزات شان بازدارند. وقتی که موفق به این کار نمی شوند تلاش می کنند با یورش وحشیانه به خانه های سازمانگران و غارت وسایل شخصی و بردن آنها به زندان مانع فعالیت آنها شوند. با این همه تا کنون موفق به این کار نشده اند. در ۱۴ فروردین نیز پس از آنکه تلاشهای سرکوبگرانه شان نتوانست بازنشستگان را وادار به لغو تظاهرات ۱۵ فروردین نمایند به خانه اسماعیل مقدم هجوم آوردند و او را به همراه وسایل شخصی اش با خود به زندان بردند. برای بازداشت یک بازنشسته یک تیم ۵ نفره مسلح وارد خانه این فعال بازنشسته که تنها سلاح اش زبان حق گوئی او بود شدند بازنشستگان در تظاهراتی که ۳ روز بعد برگزار کردند خواهان آزادی اسماعیل مقدم شدند و نشان دادند بازداشت یک یا چند فعال سندیکایی نمی تواند مبارزات زحمتکشان حق طلب را متوقف کند.

اعتراض به حکم زندان اسماعیل عبدی از رهبران کانون فرهنگی معلمان ادامه دارد

به جریان انداختن احکام زندان پیشین و پرونده سازی تازه برای فعالین صنفی یکی دیگر از حربه های دستگاه سرکوب حکومتی برای جلوگیری از رشد اعتراضات زحمتکشان و محروم کردن آنها از رهبران کارآمد، شجاع و دلسوز است. افزایش مدت زندان اسماعیل عبدی و علی نجاتی از رهبران پیشین سندیکای نیشکر، صدور حکم زندان برای جوانمیر مرادی، تبعید سپیده قلیان و شمار دیگری از زندانیان مدنی، کارگری و سیاسی، در آستانه نوروز نیز در همین راستا قرار دارند. با این همه این سرکوبهای بربر منتهای نه توانسته اند ارداه استوار مبارزان راه رهایی را در هم بشکنند و نه مانع از گسترش اعتراضات توده ای و رادیکالتر شدن همه روزه آنها شود. از آغاز سال نو تا کنون کانونها و تشکلهای کارگری و مدنی و حقوق بشری علیه این سرکوبها به پا خاسته اند.

اخطار کارگران غیز رسمی صنعت نفت به مسئولین در مورد مطالبات شان

کارگران غیر رسمی نفت با انتشار اعلامیه ای به مسئولین ذیربط هشدار داده اند که اگر مطالبات شان تامین نشود اعتصاب خواهند کرد. کارگران معترض که نسبت به افزایش پیدا نکردن واقعی دستمزد های خود خشمگین هستند، گفته اند دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون تومان باشد. آنها همچنین از بیانییه مطالباتی تشکلهای مستقل در مورد دستمزد حمایت نموده و گفته اند که نه شورای عالی کار و نه نمایندگان خود گمارده "کمپین پنجم دستمزد"، را نماینده صلاحیتدار خود در بحث دستمزد نمی دانند. کارگران پس از اشاره به بی پاسخ گذاشته شدن مطالبات شان در سال گذشته به رغم اعتراضاتی که انجام دادند، در این اعلامیه سایر مطالبات خود را نیز دوباره طرح و خواستار عملی نمودن آنها شده اند در قسمت پایانی اعلامیه کارگران مشروح خواسته های فوری خود را مطرح کرده اند.

بر خواسته های فوری زیر تاکید داریم:

حقوق مبنای کارگران باید بالای رقم ۱۲ میلیون باشد و سرمایه و بموقع پرداخت شود، قراردادهای موقت و پیمانی باید دائمی شود و کارگران امنیت شغلی داشته باشند و اخراج ممنوع باشد، وضعیت بهداشت و درمان بهبود یابد و امکانات درمانی رایگان در اختیار همه کارگران نفت باشد، پروتکلهای سازمان بهداشت جهانی در مقابله با بیماری مهلک کرونا اجرایی گردد و واکسن استاندارد و رایگان در اختیار همه مردم قرار گیرد، محیط های کار



ایمن باشد و به تجهیزات لازم ایمنی کار و امکانات گرمایشی و سرمایشی با استاندارد قابل قبول مجهز باشند، استانداردهای زیستی و کاری کارگران از جمله خوابگاهها، غذاخوری ها، حمام و دستشویی و ... بالا رفته و در حد قابل قبول باشد.

تجمع کارگران غیر رسمی برق سراسری مقابل مجلس

شمار زیادی از کارگران حجمی شرکت توزیع برق که از نقاط مختلف کشور آمده بودند در ۱۷ اسفند در اعتراض به وضعیت شغلی و مزدی خود در مقابل مجلس تجمع و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. پایان دادن به کار پیمانی، استخدام رسمی و مستقیم توسط شرکت توانیر، رفع تبعیضات شغلی و مزدی اعمال شده توسط شرکتهای پیمانکار و لغو شرط آزمون تبدیل وضعیت خود شدند.

گفتنی است که تعدادی از نمایندگان مجلس از ماه ها پیش وعده رسمی کردن کارگران پیمانی و از میان برداشتن قراردادهای اسارتبار در شرکتهای پیمانکاری را داده بودند، ولی تا کنون با ترفندهای مختلف از انجام وعده شان طفره می روند. گذراندن دوره آزمون برای کارگرانی که در کارشان ماهرند و سالها سابقه کار دارند، از جمله این ترفندهاست که در مورد معلمان غیر رسمی نیز باعمال می شود

اعتراض کارگران کارخانه فولاد در بافق

در پی کاهش مدت قراردادهای موقت کار توسط کارفرما، کارگران فولاد بافق به اعتراض برخاستند تمديد نکردن قرار داد دو تن از کارگران و دستمزد ناچیز از دیگر علل اعتراض کارگران هستند. گفتنی است که کاهش مدت قراردادهای موقت بعد از عید و پس از سیگنال (رفع موانع تولید) خامنه‌ای در کارخانه های بسیاری از جمله در هفت تپه شروع شد. کاهش مدت قراردادهای اسارتبار توسط کارفرمایان به آنها امکان می دهد در پایان مدت قرارداد کارگرانی را که از آنها ناراضی هستند اخراج کنند. تشکیل شورای کارگری و اجرای طبقه بندی مشاغل نیز جز خواسته های کارگران است. که گویا اخراج دوتن از کارگران نیز بواسطه پیگیری آنها در این خصوص بوده است.

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر**

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>

دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را تامین کند!